

فصل اول

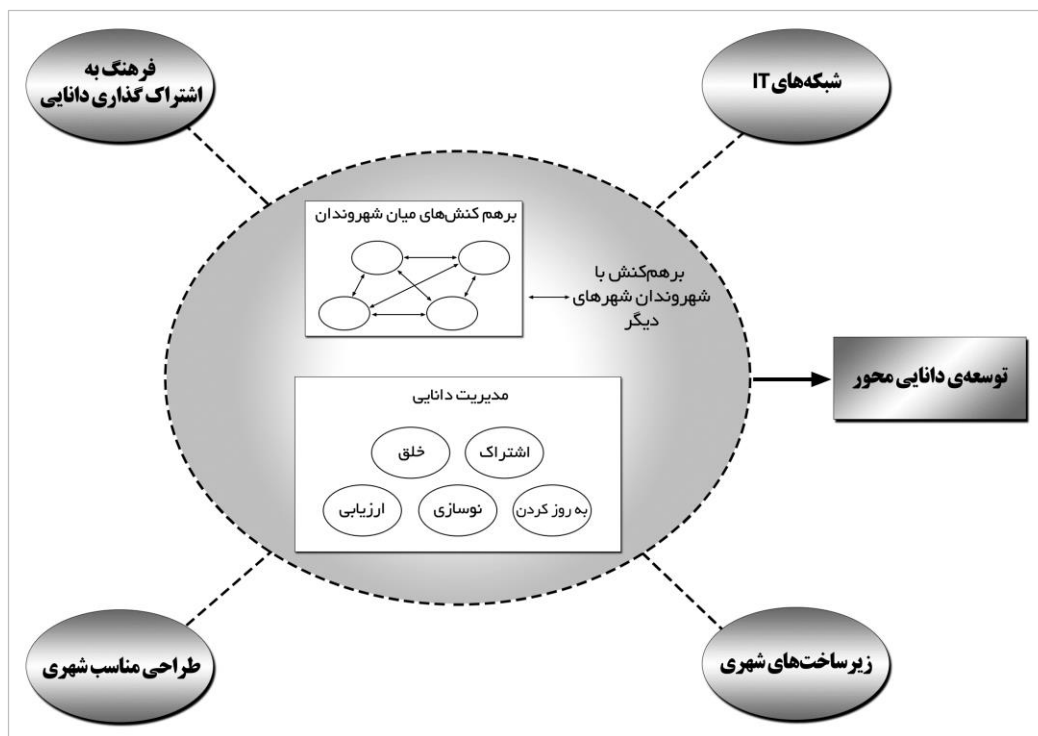
مفهوم شهر دانایی

شهر دانایی از مفاهیم خلق شده‌ی هزاره‌ی جدید است. هر چند نشانه‌هایی از مفهوم شهر دانایی را می‌توان تا یک دهه‌ی پیش نیز جستجو کرد، اما این از پگاه سده‌ی بیست و یکم است که شهرهایی از گوشه و کنار جهان، به سوی مفهوم توسعه‌ی دانایی محور میل نمودند. از آنجا که ساختار مفهومی شهر دانایی هنوز در هنگامه‌های نخستین شکل‌گیری خود است، نمی‌توان به مفهومی همسان در عرصه‌ی این ادبیات دست یافت؛ بنابراین در چارچوب مفاهیم توسعه و ارزیابی ساختار شهر دانایی، یک دیدگاه یکپارچه که نیازمندی‌ها و پارامترهای توسعه‌ی این مفهوم را تصویر نماید، هنوز به دست نیامده است. از این رو، گستاخی نخواهد بود که بر اساس ادبیات توماس کوهن، بیان کنیم که مفهوم شهر دانایی در گذر

هنگامه‌ی پیش پارادایمی خود است (۱). در دهه‌ی گذشته، یک تکامل پرشتاب در مفهوم "شهر دانایی" از واژه‌ی تکنوپولیس^۱ و ایدئوپولیس^۲ به سوی "شهر دیجیتالی و هوشمند" را شاهد بوده‌ایم. این سیر مفهومی شامل شکل‌گیری به سوی توسعه‌ای زنده، پرخروش و پایدار بوده است. به زبان دیگر، مفهوم شهر دانایی برآمده از مأموریت استراتژیکی است که پرتوان در فربه کردن خلاقیت، نوآوری و دانش، در زمینه‌ای از اقتصاد و جامعه‌ی در حال رشد دانایی محور، جولان می‌دهد. از این زاویه، شهر دانایی را می‌توان یک شهر یکپارچه انگاشت که از دیدگاه فیزیکی و نهادی، عملکردهای پارک‌های علم و فناوری را در عملکردهای شهری ترکیب می‌نماید. در حقیقت، شهر دانایی یک پارادایم خوشایند برای

¹ Technopolis

² Ideopolis



تصویر ۱ : مفهوم شهر دانایی

بر اساس یک گزارش فنی که از پروژه‌ای پژوهشی^۱ فراهم آمده است، شهر دانایی واژه‌ای پرمعنا جهت به تصویر کشیدن اقتصاد منطقه‌ای است که در پناه صادرات با ارزش انبوه (high value) که بر پایه‌ی پژوهش، فناوری و قدرت مغزی خلق گردیده است، به پیش‌رانده می‌شود و برخلاف دیگر شهرهای با اقتصاد

شهرهای پایدار آینده را ارائه می‌دهد (۲). شهر دانایی نقش بی‌همتایی را در خلق دانایی، رشد و توسعه‌ی اقتصادی ایفا می‌کند. از این رو، شهر دانایی همچون شهری که هدفمندانه به گونه‌ای طراحی گردیده است که به پرورش و فربه نمودن دانایی می‌پردازد، توصیف شده است (۳).

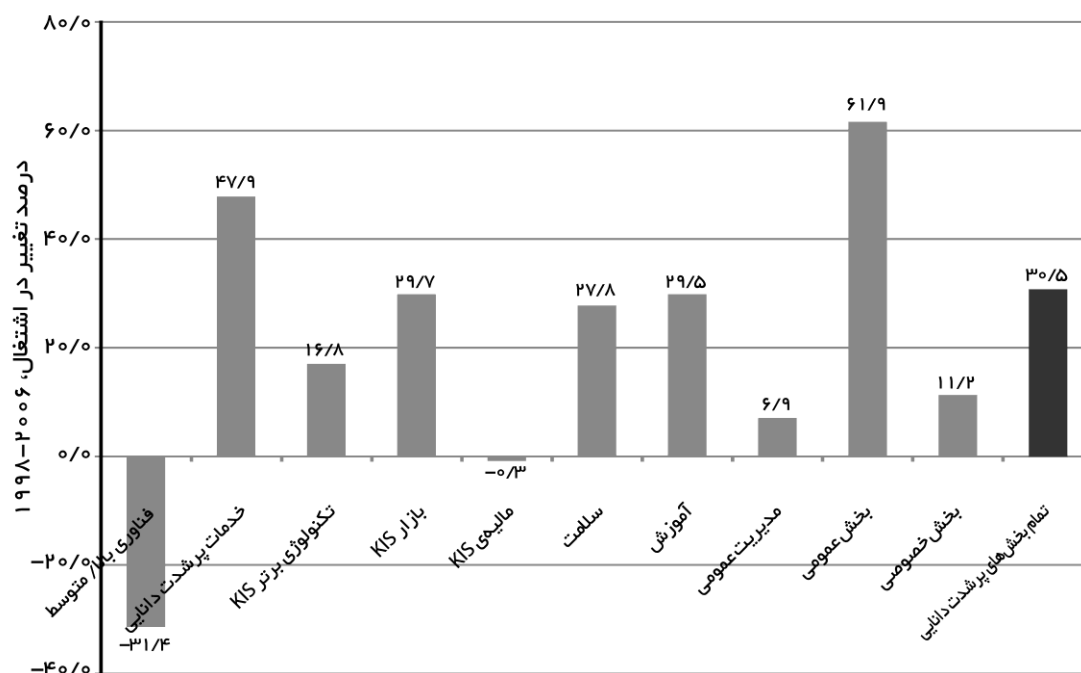
^۱ SGS Economics, 2002

مفهوم شهر دانایی را تا درجاتی با مفاهیم در حال توسعه‌ای مانند خوشه‌های دانایی محور^۲، ایدئوپولیس یا تکنوپولیس جایگزین کرد (۲).

از سویی دیگر، شهر دانایی، همچون گستره‌ای چتر مانند، برای توصیف جغرافیایی که بر خلق دانایی

پیشرفته، شهرهای دانایی، به شکل چشمگیری، بخش عظیمی از درآمد جامعه^۱ را به سرمایه گذاری بر آموزش، تربیت و پژوهش اختصاص می‌دهند (۴).

از آنجا که شهر دانایی نقش پایه‌ای را در خلق دانایی، رشد اقتصادی و توسعه بازی می‌کند، می‌توان



تصویر ۲: خلق شغل در بخش‌های پر شدت دانایی در طی سال‌های ۱۹۹۸-۲۰۰۶ در اروپا (انگلستان)؛

همانگونه که هیداست اشتغال در بخش سلامت و آموزش با رشد به ترتیب ۲۸ تا ۳۰ درصد، مجموعاً بالاترین رشد را در صنایع پر شدت دانایی به خود اختصاص داده‌اند.

¹ Gross Domestic Product - GDP

² Knowledge-Based Clusters

تکیه نموده است، قلمداد می‌شود و می‌تواند زون‌های دانایی همانند دالان‌های دانایی^۱، دهکده‌ی دانایی^۲ و مناطق دانایی^۳ را پوشش دهد (۵).

همچنین، شهر دانایی را همچون شهری انگاشته‌اند که با خلق مداوم دانایی، به اشتراک گذاری دانایی، ارزشیابی دانایی، بازنگری و به روزآمد نمودن دانایی، توسعه‌ی دانایی محور را جستجو می‌نماید.

برای نیل به این هدف، نیاز به گفتمان مداوم میان شهروندان و نیز میان آن‌ها و دیگر شهروندان شهرهای دیگر احساس می‌شود. فرهنگ به اشتراک گذاری دانایی شهروندان و نیز طراحی مناسب شهر، شبکه‌های ICT و زیرساخت‌های مورد نیاز این گفتمان، از پیش نیازهای ظهور این گفتمان هستند (۶).

در طرح راهبردی بخش فرهنگی بارسلونا، می‌توانیم به شاخص‌هایی برای نامیدن شهری زیر عنوان شهر دانایی دست یابیم. این طرح راهبردی برای بنیاد فرهنگی بارسلونا، با مشارکت بیش از ۳۵۰ نفر از گستره‌های گوناگون فرهنگ، تدوین گردید (۷).

در حقیقت، بسیاری از شاخص‌های شهر دانایی را می‌توان در ویژگی‌های یک شهر توسعه یافته‌ی مدرن نیز یافت. اما پاره‌ای از این شاخص‌ها از ویژگی‌های آن چیزی است که "شهر دانایی" می‌نامیم. از این منظر، این شاخص‌ها را در دو بخش، یکی وابسته به یک شهر به خوبی توسعه یافته‌ی مدرن و دیگری مربوط به شهر دانایی، به توصیف زیر آورده شده‌اند:

الف/ هر شهر به خوبی توسعه یافته‌ی مدرن

- ♦ کیفیت بالای زندگی
- ♦ فراهم آوردن دسترسی مؤثر، قابل اعتماد و رقابت پذیر به زیرساخت‌های حمل و نقل فردی، کالایی و اطلاعاتی
- ♦ یک طراحی شهری و معماری‌ای که فناوری‌های نوین را پیوند می‌دهد.
- ♦ راهبردی بنیادین در زمینه‌ی آموزش که تمام تسهیلات و خدمات را مد نظر قرار می‌دهد.
- ♦ اقتصاد با توده‌ی بحرانی^۴ که تخصص‌گرایی رقابتی

¹ Knowledge Corridors

² Knowledge Village

³ Knowledge Regions

⁴ Critical Mass

ارتباطات چهره به چهره را می‌پروراند.

بر اساس این یافته‌ها، چنین می‌توان دریافت که مفهوم شهر دانایی به صورت ویژه، جدید و بسیار گسترده است. این یافته‌ها ممکن است به پاره‌ای و یا تمام منظرهای حیات اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی یک شهر بنگرند. این تعاریف شهر دانایی، از منظرهای گوناگون به این مفهوم می‌پردازند. همگی این تعاریف بسیار وابسته به آن هستند که این چنین شهری چه اهداف راهبردی را پی می‌جویند. از این رو، هر تلاشی برای ارائه‌ی تعریف این مفهوم می‌بایست با نگاه به اهداف راهبردی ترسیم شود (۸).

طی سال‌های گذشته، مفهوم شهر دانایی، توجه سازمان‌های جهانی، مدیریت‌های شهری، جوامع پژوهشی و کارگزاران را به خود جلب نموده است. سازمان‌های جهانی برجسته مانند بانک جهانی، اتحادیه‌ی اروپا، سازمان ملل متحد و سازمان همکاری اقتصادی و توسعه^۱ چارچوب‌های مدیریت را از برنامه‌های راهبردی خود که به توسعه‌ی جهانی می‌پردازند، ساختار بندی نموده‌اند. این راهبرد، به صورت آشکار، به پیوند میان مدیریت دانایی و توسعه‌ی

را در عرصه‌ی جهانی مورد حمایت قرار می‌دهد.

- ♦ شبکه‌های پر نفوذ تجاری که جذب سرمایه می‌نمایند.
- ♦ دسترسی به بازار و هوشیاری و به زبان دیگر ظرفیت بالا جهت ارتباطات تجاری نیرومند و پایدار با دیگر بازارها
- ♦ فرهنگ کسب و کاری که مشارکتی و رقابت پذیر است.
- ♦ خدمات عمومی خلاقانه و پاسخگو
- ♦ یک جامعه‌ی همه گیر و وجود یک فرهنگ باز، تحمل پذیر و وابسته به شایسته سالاری

ب / شهر دانایی

- ♦ فراهم آوردن امکان دسترسی به تمام فناوری‌های ارتباطی نوین برای همه‌ی شهروندان
- ♦ تعالی پژوهشی که سکویی را برای کالاها و خدمات دانایی محور نوین فراهم می‌آورد.
- ♦ توانایی تولید، جذب و نگهداشت شهروندان پرمهارت در همه‌ی دامنه‌های گوناگون
- ♦ وجود مراکز مدنی که تنوع را پذیرا بوده و امکانات

¹ Organisation for Economic Co-operation and Development - OECD

خدمات کسب و کار

بانکداری

مالیه و دارایی

بیمه

بازاریابی

آموزش

سلامت

سازی، اقتصاد دانایی و جامعه‌ی دانایی، مدیریت شهری را برای استخراج این راهبردها جهت حرکت به سوی شهرهای دانایی، مورد تشویق قرار می‌دهند (۲).

فزونی و شدت دانایی در یک شهر می‌تواند در فهم شهر دانایی مؤثر افتد. در ابتدا یک شهر دانایی می‌بایست از فزونی و اثبات پویایی خلق دانایی خود درخشش یابد. در فراتر از حجم محض دانایی تولید شده، ظرفیت یک شهر در انتقال پرشتاب آن سرمایه‌ی دانایی به محصولات، فرایندها و خدمات نوآورانه است که برجستگی یک شهر دانایی را در برابر شهر مدرن، در یک اقتصاد پیشرفته نشان می‌دهد.

از این منظر، سه جزء اصلی است که فزونی و شدت دانایی را در یک شهر به تصویر می‌کشند:

(۱) درجه‌ی تولید دانایی آن شهر

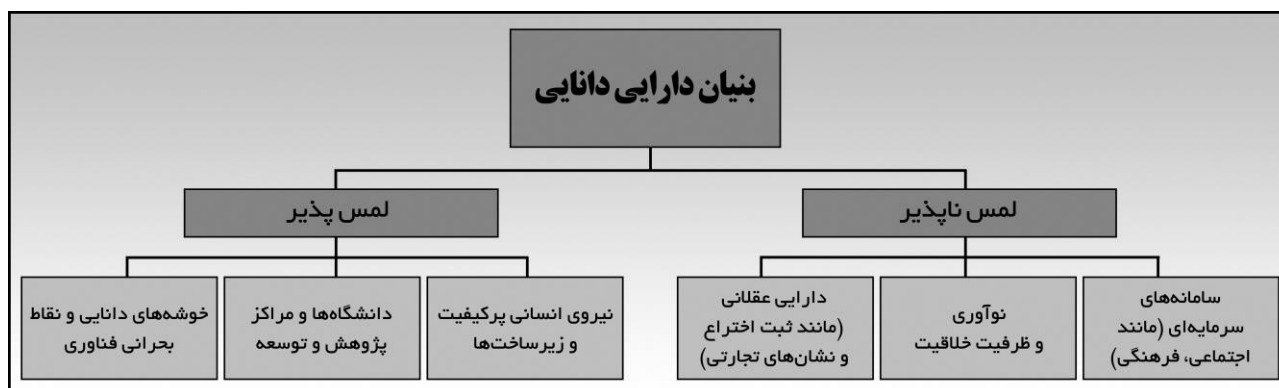
(۲) وجود آهنگ پابرجا جهت جذب، ترکیب و

کاربرد انواع دانایی نوین

(۳) قلمرو و میدان چرخش دانایی

تصویر ۳: محیط‌های با فعالیت خدماتی دانایی محور

شهری اشاره دارد. افزایش چشمگیر راهبردهای توسعه‌ی دانایی محور در رقابت پذیری شهری مناطق، در گزارش‌های OECD هویدا است. برنامه‌ی جهانی



تصویر ۴ : بنیان دارایی دانایی

کسر تولید و دگرگونی دانایی شهر دانایی می‌باشد. در حقیقت، هر چه نسبت نیروی کار یک شهر در خلق و آفرینش دانایی نوین، محصولات و خدمات در گستره‌های علوم و فناوری و هنر درگیر باشند، توسعه‌ی سرمایه‌ی دانایی شهر عظیم‌تر می‌گردد.

بنابراین جریان نیرومند دانایی در شهر دانایی منجر به انواع گوناگون نوآوری در عرصه‌های فناوری، سازمانی و نهادی می‌شود. چنین جریان پایدار نوآوری، در میان چیزهای دیگر، رقابت سازمانی، کمپانی‌های جهنده با فناوری‌های برتر و پدیداری پروژه‌های نوآورانه‌ی کلیدی را با خود می‌آورد.

۱) درجه‌ی تولید دانایی

مسیری که یک شهر را متمایز می‌سازد، ثروت دانایی کسب شده‌ی آن است. تولید دانایی به صورت گسترده‌ای بستگی به نیروی جنبشی توسعه‌ی اقتصادی آن شهر دارد:

- ♦ دانشگاه‌ها و مراکز پژوهشی وابسته و بیمارستان‌های آموزشی
 - ♦ مراکز پژوهشی (خصوصی و دولتی)
 - ♦ بنگاه‌های کسب و کار
 - ♦ آفرینندگان آن شهر مانند هنرمندان، طراحان مُد و غیره
- پویایی درونی و بیرونی این ارکان، سازنده‌ی

۲) وجود آهنگ پابرجا جهت جذب، ترکیب و کاربرد انواع دانایی نوین

آشکار است که تولید دانش کافی نیست و بایستی ظرفیت استخراج ثروت اقتصادی و اجتماعی از آن نیز موجود باشد. به زبان دیگر، عامل برجسته‌ی دیگر برای شهر دانایی، توانایی بهره‌مندی غیر تناقض آمیز سودمندی‌های انواع دانایی نوین و مهارت‌های جدید می‌باشد.

عوامل متنوعی وجود دارند که بر آهنگ ترکیب و کاربرد انواع دانایی اثر می‌گذارند که شامل دسترسی آسان به دانایی، درک انواع دانایی جدید در دسترس و توانایی یکپارچه سازی آن‌ها به عملکردهای سازمانی است که احتمال استخراج ارزش از آن‌ها وجود دارد. این توانایی به صورت مستقیم بستگی به شایستگی‌های نیروی کار دارد که خود به درون داشت و استعداد علمی، فناورانه و هنری "دانستن- چگونه"^۱ افراد و نیز ظرفیت آن‌ها برای پیوند با شبکه‌های خلاق دانایی که از افراد و نهادهای گوناگون ساختار یافته‌اند، مربوط می‌شود.

۳/ قلمرو و میدان چرخش دانایی

مقدار پخش و اشتراک دانایی، چه در میان افراد یا سازمان‌ها، چه میان بخش‌های صنعت و یا مناطق جغرافیایی، معیاری دیگر برای کیفیت در یک شهر دانایی است.

جریان دانایی (که خود به صورت مستقیم به چرخش افراد بستگی دارد) برای آن که یک شهر بتواند به صورت غیر تناقض آمیز با چشم اندازها و "برکه‌ی دانایی" خود روبه‌رو شود، اساسی است.

بنابراین یک شهر دانایی پایدار باید توانمندی‌ها و اراده‌ی ایجاد فشار بر مرزهای دانایی (که جلوگاه کشف‌های بزرگ و توسعه‌های نوید دهنده هستند) داشته باشد. از این رو شهر دانایی می‌تواند به صورت ثابت، ثروت دانایی، ایده‌ها و کارکردهای خود را تجدید کرده و موقعیت خود را به عنوان یک شهر دانایی به اثبات برساند (۹).

در یک فراگرد کلی، شهر دانایی را می‌توان شهری موفق از دیدگاه اقتصادی دانست که سطوح بالایی از شدت دانایی را در خود هضم نموده و پایه‌ای از صنایع متنوع را در سطح متمایزی از تخصص گرایب ارائه

^۱ Know-how

می‌دهد. در همین راستا، شهر دانایی دارای حداقل یک دانشگاه است که ارتباطات سودمند متقابلی را با خود شهر پایه می‌ریزد که این ارتباطات به صناعی منجر می‌شود که بر پایه‌ی قدرت پژوهش شکل گرفته‌اند. در این کنش‌ها، انتقال دانایی به عرصه‌ی کسب و کار انجام گرفته و دانش آموختگان نیز گرد هم می‌آیند. شهر دانایی با زیرساخت‌های ارتباطی نیرومند و نیز حمل و نقل عالی که در یک شبکه‌ی پیچیده‌ی درون شهری و برون شهری گسترده است، به راه هوایی، راه آهن و مسیرهای جاده‌ای پیوند می‌یابد.

در برنامه‌ی راهبردی شهر دانایی نیز باید راهبردهایی اتخاذ شود که به تمام جوامع که در شهر زیست می‌کنند این اطمینان را بدهد که موفقیت در عرصه‌ی اقتصاد دانایی محور، برای همگان سودآفرین است.

به زبان دیگر، واژه‌ی شهر دانایی نمایانگر اشتیاق و چشم اندازی است که مفهوم شهر به عنوان "خالق

ثروت در اقتصاد دانایی محور" را بر خود حمل می‌کند. در حقیقت شهر دانایی با رشد اقتصادی، کامیابی دراز مدت و بحث کیفیت زندگی برای شهروندان پیوسته است (۱۰).

با همه‌ی این توصیف‌ها، هنوز مفهوم شهر دانایی، یک گستره‌ی در حال پدیدار در عرصه‌ی نظریه و عمل می‌باشد و هنوز تعداد اندکی از شهرها، مدل‌های سرمایه‌ی عقلانی را در طرح‌های راهبردهای خود به شکل جامع به کار برده‌اند. اما با ایجاد فضای رقابت برای تبدیل شدن به شهر پر جذب و "قابل زیست"، درک، مدیریت و پایش سرمایه‌ی عقلانی^۱ یک شهر، به مقوله‌ای بحرانی جهت توسعه‌ی پایدار و پویایی شهر تبدیل شده است.

در حقیقت، هر چند پیکره‌ی گسترده‌ای از دانش و تاریخی طولانی در مورد شهر و پویایی شهری وجود دارد، بدون شک، چشم انداز شهر دانایی می‌تواند در درک بهتر ابعاد ناملموس شهر، نقش ایفا نماید (۱۱).

^۱ Intellectual Capital

سودمندی‌های تبدیل شدن به یک شهر دانایی

شواهد بسیار استواری وجود دارد که هر چقدر شدت و بار دانایی در شهری فزونی یابد، شهر نیز از منظرهای اقتصادی و کیفیت زندگی، سود سرشاری به دست می‌آورد. از آنجا که سرمایه‌ی انسانی، منبع مهم توفیق اقتصادی است، شهرهای موفق دانایی همچون بوستون، سرمایه‌گذاری عظیمی را بر روی منابع انسانی (مردم و مهارت‌ها) انجام داده‌اند. یافته‌های پژوهشی دلالت بر این موضوع دارند که شدت دانایی در کسب و کار و یا مشاغل، موجب افزایش بهره‌وری و شکوفایی می‌گردد. در ضمن سطوح بالاتر مهارت نیز نیروی کار (و در نتیجه اقتصاد شهر) را بسیار انعطاف پذیر و سازش‌مند می‌سازد و از این رو، سازگارمندی فراوان‌تری را برای شهر در برخورد با رویدادها، رکودها و تغییرات اقتصادی ایجاد می‌کند (۱۰).

از دیدگاه اقتصادی، افزایش نسبت کسب و کارها یا مشاغل دانایی محور، موجب افزایش

موفقیت اقتصادی در گستره‌ی زمان می‌شود. زیرا در مناطق شهری که سطح دستمزدها بالا (که خود نشانگر وجود مشاغل با کیفیت بالا می‌باشد)، سطح مهارت‌ها بالاتر و کسب و کارهای با شدت دانایی نیز بیشتر بوده است، عملکرد اقتصادی بهتری آشکار یافته است. این یافته نشانگر آن است که شدت دانایی، با فزونی در سودمندی اقتصادی و رشد توأم است. یافته‌های تحقیقاتی نشان داده‌اند که اگر هر شهر حتی با سطح کسب و کار و مشاغل دانایی محور پایین، آغاز به حرکت به سوی فزونی در شدت دانایی اقتصاد خود کند، به سودمندی‌های چشمگیری دست می‌یابد. اما پرسش اصلی آن بوده است که آیا پیش از آن که یک شهر به این سودمندی‌های اقتصادی دست یابد بایستی به یک آستانه برسد. تحلیل‌ها نشان داده‌اند که فرضیه‌ی آستانه^۱ درست است و تعدادی از شهرها ممکن

¹ Threshold Hypothesis

است سرمایه گذاری‌های چشمگیری را پیش از مشاهده و لمس افزایش ارزش افزوده‌ی خام^۱ به انجام برسانند. از این رو، دو نتیجه ممکن است حاصل شود. نخست آن که این گونه شهرها باید بر روی توسعه‌ی غیر دانایی محور تأکید نمایند؛ زیرا سودمندی خاصی از GVA ممکن است در زیر این آستانه حاصل نیاید. اما به نظر پژوهشگران این نتیجه گیری اشتباه است. نتیجه گیری دوم و بهتر آن است که تمام شهرها باید تلاش کنند تا به این آستانه برسند. زیرا در عدم این تلاش، آن‌ها برای افزایش ارزش افزوده‌ی خام در گستره‌ی اقتصادی که دانایی منبع اصلی در صحنه‌ی رقابت است، دچار چالش‌های اساسی خواهند شد. این نکته را نیز نباید در راه این تلاش فراموش نمود که نیل به این سودمندی در زمانی کوتاه مدت روی نمی‌دهد و زمانی متوسط تا دراز را می‌طلبد.

نمودارهای موجود در تصویر ۵ نشانگر آن هستند که چقدر میانگین رشد GVA به ازای هر

کارگر^۲ بستگی به میزان کسب و کار دانایی محور (منهای آموزش، مراقبت‌های سلامت و بعضی از بخش‌های خلاقیت و فرهنگی) دارد. در سال ۱۹۹۷ حداقل ۱۵ درصد از کسب و کار یک شهر می‌بایست دانایی محور می‌بود تا رشد GVA به ازای کارگر روی دهد و در بالای ۱۵ درصد، GVA یک رابطه‌ی خطی پیدا می‌کرد. این نقطه‌ی بحرانی، با گذشت هر سال، رشد داشته و در سال ۲۰۰۲ به ۱۷ درصد رسیده است.

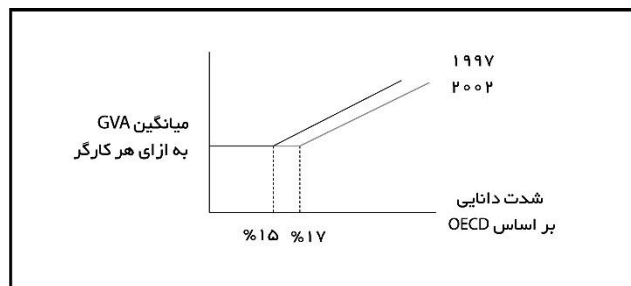
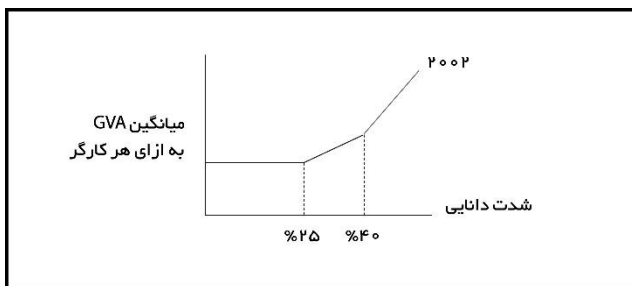
نمودار سمت چپ در تصویر ۵ نیز همین مفهوم را بر اساس تعریف بنیاد کار^۳ نشان می‌دهد. بر اساس این منحنی، حداقل باید ۲۵ درصد از کسب و کار شهر، دانایی محور باشد تا این رشد مشاهده گردد. ولی نکته‌ی جالب آن است که افزایش چشمگیر در GVA هنگامی است که ۴۰ درصد از کسب و کار شهر، صنعت دانایی محور را از آن خود کرده باشد. نمودارهای موجود در تصویر ۶ نیز نشانگر نقش شغل‌های دانایی^۴ و سطح افراد با کیفیت بالا در

¹ Gross Value Added - GVA

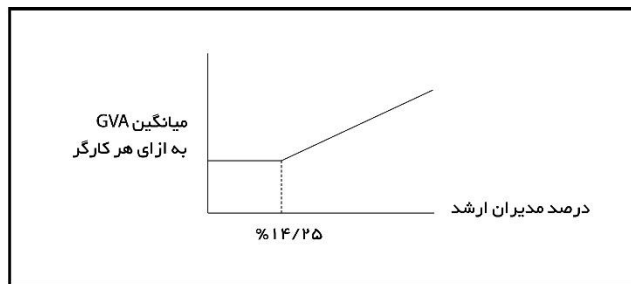
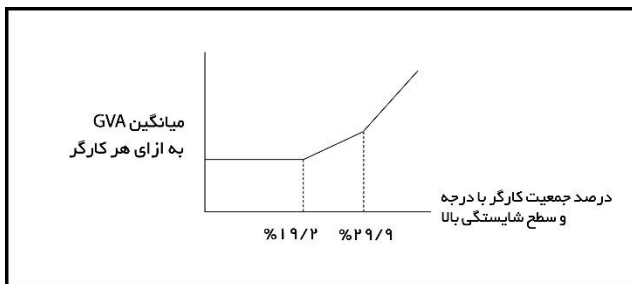
² Average GVA per worker

³ The Work Foundation

⁴ Knowledge Occupations



تصویر ۵: نقاط اوج کسب و کارهای دانایی محور بر اساس تعریف OECD (نمودار راست) و بنیاد کار (نمودار چپ) با محاسبه‌ی ارزش افزوده‌ی خام (GVA)



تصویر ۶: نقاط اوج شدت دانایی بر اساس مدیران ارشد (نمودار راست) و درجه و سطح شایستگی کارگران (نمودار چپ)

شدن شهر به شهر دانایی، توأم با افزایش کیفیت زندگی نیز می‌باشد. در زیر، به مجموعه‌ای از سودمندی‌های تبدیل شهر به یک شهر دانایی (که در سطح مطبوعات بین‌المللی مدیریت دانایی بر اساس یافته‌های پژوهشی به دست آمده‌اند) بر می‌شماریم.

- ♦ خلق اشتغال با دستمزد بالا
- ♦ رشد پرشتاب در درآمد جامعه و خلق ثروت

افزایش GVA به ازای هر کارگر را نشان می‌دهند. همانگونه که مشاهده می‌شود چنانچه ۱۴/۲۵ درصد از مشاغل شهر در رده‌ی مدیران ارشد باشد، GVA به ازای هر کارگر رشد یافته و هر چقدر مهارت کارگران و درجه‌ی سطح شایستگی کارگران^۱ نیز بالاتر باشد، GVA به ازای هر کارگر رشد می‌یابد (تصویر ۶).

افزون بر سودمندی اقتصادی شهر دانایی، تبدیل

¹ Qualification

- ♦ اقتصاد پایدارتر با افزایش ظرفیت نوآوری و جذب سرمایه گذاری بیرونی
- ♦ باز زنده سازی صنایع سنتی
- ♦ ترقی در صنعت توریسم
- ♦ فرصت‌های فراوان تر جهت مشارکت در ثروت از طریق سرمایه گذاری در دامنه‌های عمومی (مانند پارک‌ها و باغ‌ها، حمل و نقل عمومی، تسهیلات فرهنگی و غیره) و اعتبار بخشی بهتر در شبکه‌های ایمنی اجتماعی^۱
- ♦ ترقی در سرفراززی، فخر و اعتماد شهری که به عنوان سکویی جهت باز سرمایه گذاری سرمایه‌ی محلی عمل می‌نماید.
- ♦ خلق جامعه‌ی دانایی محور که می‌تواند دانایی

بی‌درنگ^۲ را در زمان مورد نیاز فراهم آورد.

- ♦ خدمات آموزشی بهتر
- ♦ خلق محیط تحمل آمیز برای اقلیت‌ها و مهاجرین افزون بر این‌ها، ساختار شهر دانایی در عملکرد بهتر دموکراسی توسط اشتراک دانایی آنلاین برای تمام شهروندان نقش ایفا می‌نماید و دسترسی استوار و به روز تسهیلات اطلاعاتی ارزان و بی‌درنگ را جهت شهروندان مهیا نموده و گفتمان‌های آنلاین را مورد حمایت قرار می‌دهد. از این رو به نظر می‌رسد که شهر دانایی “فراگیری دیجیتالی”^۳ را به جای “شکاف دیجیتالی” جایگزین می‌نماید و سودمندی‌های جریان فناوری را برای همه‌ی شهروندان جامعه فراهم می‌آورد (۸).

¹ Social Safety Nets

² Just-in-Time

³ Digital Inclusion

سودمندی‌های اقتصادی و سازمانی

- خلق شغل با درآمد و پاداش خوب
- رشد پرشتاب در درآمد و ثروت جامعه
- یک اقتصاد بیشتر پایدار با نوآوری‌های فناورانه و سرمایه‌گذاری‌های فراملی
- باز زنده‌سازی صنایع دستی
- ترقی سربلندی شهری و ایجاد اعتماد به باز سرمایه‌گذاری سرمایه‌ی محلی در درون اقتصاد محلی
- ارتقاء خطر پذیری که به ساخت فرهنگ کارآفرینی کمک می‌کند.
- خلق و نوآوری از عناصر مرکزی توسعه‌ی آن است و پیوستگی پا بر جا میان دانشگاه‌ها، شرکت‌ها و خلاقان

سودمندی‌های اجتماعی و فرهنگی

- فرصت‌های بزرگتر جهت اشتراک ثروت از طریق سرمایه‌گذاری در دامنه‌های عمومی و سرمایه‌گذاری بهتر شبکه‌های ایمنی اجتماعی
- خلق جامعه‌ی دانایی که دانایی روزآمد را در زمان مورد نیاز فراهم می‌آورد.
- ضمانت آموزشی بهتر و شبکه‌ی پیوسته‌ی مدارس
- خلق محیط تحمل پذیر برای اقلیت‌ها و مهاجرین
- رهبری در تولید فرهنگی و صنعت فرهنگی
- ابزارهایی که دسترسی به دانایی را جهت شهروندان مسیر می‌سازند.
- دسترسی به فناوری‌های ارتباطات جدید برای تمام شهروندان

سودمندی‌های فیزیکی و زیست محیطی

- پیشتازی در بحث منطقه‌ی دیجیتال
- یک طراحی شهری و معماری که فناوری‌های جدید را در هم می‌آمیزد.
- به کارگیری و آشکارسازی میراث طبیعی، معماری و تاریخی آن به عنوان یک عامل جذاب
- بهبودی در ظرفیت افزایش و ترمیم محیط زیست ساخته شده و طبیعی
- تعهد بالاتر جامعه به تصمیم‌گیری پیرامون زیست محیط